

آموزه‌های مانوی یکی از گونه‌های متحول آیین گنوسی است که از آرای مسیحی، زردشتی و بودایی متأثر می‌باشد. در واقع مانی از بودیسم تناسخ، از زردشتی‌گری دوگرایی و از مسیحیت فارقلیط را به وام گرفت. به این ترتیب اسطوره‌ی آفرینش مانوی برپایه‌ی اساطیر هندی، ایرانی و مسیحی استوار می‌باشد

پایانی کتاب را تشکیل می‌دهند. نویسنده همچنین در جای جای ارایه مباحث و مطالب کتاب با وسواس و دقت نظر هر جا که توضیحی لازم بوده، دریغ نورزیده و سعی کرده، موضوع پژوهش خود را از زوایای گوناگون بکاود تا خوانندگان کتاب بهره بیشتری ببرند.

چنان که می‌بینیم محور اصلی کتاب بررسی، تلفیق، بازسازی و روایت اسطوره‌ی آفرینش مانوی است که مؤلف به یاری متن‌های گوناگون بازمانده مانوی، به‌انجام آن مبادرت ورزیده است. بی‌تردید برای فهم بهتر و عمیق‌تر هر آیینی شناخت اسطوره‌های آن لازم است. اگرچه در زبان روزمره اسطوره به معنی آنچه خیالی (و غیرواقعی) است آمده اما در اسطوره‌ها آنچه مهم است صحت تاریخی داستان‌ها نیست بلکه مفهومی است که برای معتقدان آنها وجود دارد. چنان‌که «جان هینلز» به درستی اشاره دارد آدمی می‌کوشد که در دین خویش شناختش را از خویشتن و طبیعت و محیط خود بیان کند و اسطوره‌ها که تفکرات انسان را درباره هستی روایت می‌کنند، صورت‌های ثابتی هستند که در آنها آدمی می‌کوشد این شناخت را بیان دارد. از همین رو اسطوره آفرینش بیش از آن که رقیبی برای فرضیه‌های تکامل‌دار دین باشد از جهت دربر داشتن تفکراتی درباره ماهیت جهان و انسان و یا خدا حائز اهمیت است.<sup>۱</sup> بدین جهت شناخت ما از آیین مانی کامل نخواهد شد مگر آن که به جستجو در اساطیر آن بپردازیم. از سوی دیگر در بحث از اساطیر مانوی به این نکته باید توجه داشت که اساطیر مانوی ریشه در باورها و اساطیر ادیان و نحله‌های عصر پیدایش مانویت دارد. به عبارت روشن‌تر باید گفت آموزه‌های مانوی یکی از گونه‌های متحول آیین گنوسی<sup>۲</sup> است که از آرای مسیحی، زردشتی و بودایی متأثر می‌باشد. در واقع مانی از بودیسم تناسخ، از زردشتی‌گری دوگرایی و از مسیحیت فارقلیط<sup>۳</sup> را به وام گرفت. به این ترتیب اسطوره‌ی آفرینش مانوی برپایه‌ی اساطیر هندی، ایرانی و مسیحی استوار می‌باشد. به عنوان نمونه با در نظر گرفتن تفاوت نقش اهریمن در دو دین مانوی و زروانی<sup>۴</sup> مراحل آغازی در روند کیهانی در زروانیسم و مانویسم دقیقاً یکسان است. زیرا در نظام مانوی پدر بزرگی (= زروان) ابتدا مادر زندگی را برانگیخته و مادر زندگی نیز به نوبه‌ی خویش انسان اولیه (اهورمزد) را برمی‌انگیزد. فقط در آن‌جا که نظام زروانی اهریمن را پسر یا فرزند زروان قلمداد می‌کند با کیش مانوی اختلاف می‌یابد. همچنین مانی مروج آیینی بود که بر جدایی ازلی روح و ماده و بر جدایی نور و ظلمت تأکید داشت. این نگرش

ایران سرشار از آگاهی‌ها و دانستنی‌های مفید می‌باشد. در میان آثار مذکور کتاب «اسطوره آفرینش در آیین مانی» از اهمیت و جذابیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا در اثر مذکور دکتر اسماعیل پور با پرداختن به مقوله اسطوره آفرینش در آیین مانی این‌بار خوانندگان ایرانی را با ابعاد دیگر اندیشه مانویت آشنا می‌سازد. چنان که در پیش‌گفتار کتاب می‌خوانیم انگیزه‌ی نویسنده از تألیف و تدوین اثر مذکور در مرتبه‌ی نخست فراهم نمودن متن‌های گوناگون درباره‌ی «اسطوره‌ی آفرینش» یا «تکوین جهان در آیین مانی» بوده است تا جویندگان اسطوره‌ی مذکور را از مراجعه به متن‌هایی که به زبان‌های گوناگون عمدتاً به زبان‌های کهن فارسی میانه، پارتی، سغدی، قبطی و غیره - نوشته شده و از انسجام کافی برخوردار نیستند بی‌نیاز کند. همچنین بررسی، تلفیق و بازسازی اسطوره‌ی آفرینش مانوی - براساس متن‌های بازمانده مانوی - از دیگر اهداف نویسنده در تألیف کتاب مذکور بوده است.

کتاب اسطوره آفرینش در آیین مانی، از یک دیباچه و دو بخش تشکیل شده است. نویسنده در دیباچه ابتدا به اختصار به اسطوره‌ی نور و ظلمت و آفرینش جهان براساس متن‌های بازمانده‌ی مانوی اشاره و سپس به شرح آثار مانوی و مانویان و نیز آن‌چه غیرمانویان درباره‌ی آیین مانی نوشته‌اند می‌پردازد و در پایان پژوهش‌های مانوی را از دیرباز تا عصر حاضر برمی‌شمرد. بخش نخست کتاب شامل بازسازی و روایت اسطوره‌ی آفرینش در آیین مانوی است که خود دربرگیرنده توصیف بهشت روشنی، سرزمین تاریکی، آفرینش نخست (نبرد هُرمز بغ یا نیروهای تاریکی و اسارت او) آفرینش دوم (رهایی هُرمز بغ و آفرینش کیهان) آفرینش سوم (آفرینش انسان و رهایی پاره‌های نور)، و پایان جهان است که حاصل بازسازی بیش از صد متن گوناگون می‌باشد.

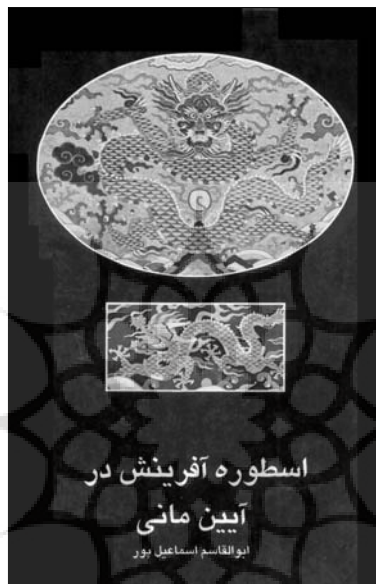
در بخش دوم کتاب متون مربوط به اسطوره‌ی آفرینش مانوی طرح شده است. در این بخش نویسنده متون مربوط به اسطوره‌ی آفرینش مانوی را در دو قسمت معرفی نموده است. در قسمت اول نوشته‌های مانی و مانویان (متون فارسی میانه، پارتی، سغدی، قبطی، چینی و ترکی اوبغوری) و در قسمت دوم نوشته‌های غیرمانویان (متن‌های عربی، فارسی، سریانی، لاتینی و یونانی) هریک به تفکیک و جدا از هم آمده است. کتاب‌نامه فارسی و انگلیسی، فهرست متون مربوط به اسطوره‌ی آفرینش مانوی، شرح‌نامه و واژگانی که در سراسر متن کتاب از آن سخن به میان آمده و نمایه، صفحات

# تکوین جهان

## آیین مانی

قربان فاخته

○ اسطوره آفرینش در آیین مانی  
○ دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور  
○ تهران - انتشارات فکر روز



آموزه‌های مانی از دیرباز تاکنون همواره مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران بوده است. بسیاری از نویسندگان ایرانی و عرب در باره‌ی مانی و اندیشه و آیین او مطالب فراوانی نوشته‌اند. حافظ، یعقوبی، طبری، مسعودی، شهرستانی، مقدسی، ابن اثیر، ابوالفرج اصفهانی، گردیزی، ابن بلخی، عوضی و خواندمیر از جمله مشهورترین نویسندگانی هستند که درباره‌ی مانی و مانوی‌گری مطالبی در آثارشان دیده می‌شود. اما مفصل‌ترین و دقیق‌ترین شرح حال مانی و آیین او توسط ابن ندیم، بیرونی و شهرستانی بیان شده است. اینان برخلاف سایر نویسندگان تلاش کردند تا شرحی واقع‌بینانه و به دور از حب و بغض‌های رایج

عرضه‌ی آثار خود به مانی‌شناسی کمک شایانی نمودند.

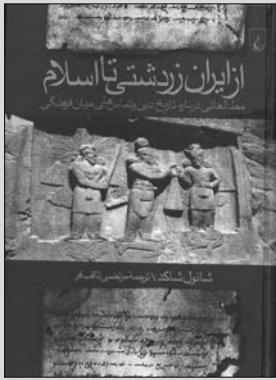
در آغاز دهه‌ی ۱۹۳۰ «هنینگ» ایران‌شناس بزرگ آلمانی تبار با آثار درخور توجه خود مانی‌شناسی را به گونه‌ای بهتر دنبال نمود. پژوهش‌های سی‌ساله‌ی پروفیسور هنینگ که بسیاری از متن‌های فارسی میانه، پارتی و سغدی مانوی را قرائت و ترجمه کرد، راه را برای پژوهشگران بعدی هموارتر نمود. پس از او نویسندگان برجسته دیگری نیز در زمینه‌ی مانی‌شناسی پیدا شدند که از میان آنان پروفیسور «مری بویس» از همه معروف‌تر است. خانم

مری بویس در سال ۱۹۶۰ فهرست کامل دست‌نوشته‌های مانوی تورفان را منتشر کرد. اثر دیگر او گردآوری و ویرایش بسیاری از دست‌نوشته‌های به نسبت سالم فارسی میانه و پارتی است که با تعلیقات مفصل همراه با واژه‌نامه‌ای منتشر شده است. از این گذشته بویس پایان‌نامه‌ی دکترای خود را به راهنمایی هنینگ درباره‌ی اشعار مانوی نوشت که در نوع خود بی‌همتاست. در دهه‌های اخیر نیز ایران‌شناسانی همچون «ورنر زوندرمان» و «میشل تاردیو» با آثار ارزشمندی که درباره‌ی مانویت آفریده‌اند، عرصه تحقیق و پژوهش درباره‌ی مانی و مانوی‌گری را همچنان گرم نگه داشته‌اند.

در ایران مانی‌شناسی به شیوه‌های علمی تاکنون چندان مورد توجه پژوهشگران و مجامع علمی و دانشگاهی قرار نگرفته است. امروز دانش و آگاهی ما درباره‌ی مانویت بیشتر متکی به جستارهای آن دسته از ایران‌شناسان غربی است که درباره‌ی مانی و اندیشه مانویت سال‌ها تحقیق و پژوهش نموده و آثار بارز علمی خلق و عرضه داشته‌اند. در این میان دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور محقق و پژوهشگر پرکار مباحث اسطوره‌شناسی، در زمینه‌ی مانی‌شناسی تلاش بسیاری نموده است. وی تنها پژوهشگر ایرانی است که درباره‌ی مانی و مانویت آثاری به صورت ترجمه و تألیف در اختیار علاقمندان به مباحث ادیان و اساطیر ایران‌زمین قرار داده است. آثاری چون «آیین گنوسی و مانوی»، «ادبیات مانوی»، «هنر مانوی»، «زبور مانوی» و «اسطوره آفرینش در آیین مانی» که مجموعه‌ی بارز علمی درباره‌ی مانویت در زبان فارسی است و برای پژوهشگران و علاقمندان به مباحث مانی‌شناسی در

مانی‌شناسی به شیوه‌ی جدید علمی از قرن هجدهم آغاز شد. «ای. دو بوسویور» در دهه سوم این قرن هجدهم نخستین رساله‌ی علمی - پژوهشی را درباره‌ی مانی نوشت که با عنوان «تاریخ نقد مانی و مانویت» در دو جلد منتشر شد. در سده‌ی نوزدهم پژوهش‌های مانی‌شناسی راه‌های تازه‌ای پیمود. پژوهش‌های کهن جای خود را به جستارهای نوین داد. «ف. م کریستین بور»، «گوستاو فلوگل»، «ادوارد زاخو»، «کنراد کسلو»، «ه. بوئون» از جمله نویسندگانی بودند که در طول قرن نوزدهم آثار ارزشمندی در باره‌ی مانویت عرضه نمودند و به مانی‌شناسی ابعاد تازه‌ای بخشیدند.

قرن بیستم در تاریخ مطالعات مانی‌شناسی دارای اهمیت زیادی است. در آغاز این سده منابع و دست‌نوشته‌های بسیاری به زبان‌های گوناگون در تورفان کشف شد. از جمله آثار ارزشمندی به فارسی میانه و پارتی به دست آمد که اصیل‌ترین منابع مانوی به‌شمار می‌روند. به این ترتیب باز یافته‌های تورفان موجب پیشرفت شگرفی در مطالعات مانی‌شناسی شد. «مولر» نخستین خاورشناس آلمانی است که در رسالتش راه‌گشای شیوه‌های علمی زبان‌شناختی درباره‌ی مانی و مانویت شد. او متن‌های مهم به فارسی میانه، پارتی، سغدی، چینی و اویغوری را یکی پس از دیگری به چاپ رساند. پس از وی پژوهشگرانی همچون «بوست»، «لوکوک»، «زالمان»، «رادلف»، «کومون»، «رایتر نشتاین»، «یوناس» به پژوهش درباره‌ی مانی ادامه دادند و با



○ از ایران زردشتی تا اسلام  
○ شانتول شادک  
○ ترجمه مرتضی ثاقب‌فر  
○ نشر ققنوس، ۱۳۸۱

امروز تحقیقاتی که به کیش زردشتی می‌پردازند را می‌توان از دو دیدگاه بررسی کرد. گروهی بر این باورند که دین زردشتی با کیش‌های رمزی و سطحی مدارا می‌کند، به ویژه کسانی که امکان پیدان کردن

سرچشمه‌ی آموزه‌هایی چون آیین‌های رمزی و گنوسی یا باورهای رازورانه را که در کل دارای حال و هوای شرقی و جلوه‌هایی نامتعارفند و در دنیای یونانی یافت شده‌اند، در ایران می‌یابند. گروهی نیز رویکردی مبتنی بر شکل و گمان دارند و با دقتی بیشتر بر گواهی خود متن‌های ایرانی تکیه می‌کنند. افرادی چون رایتزشتاین و گوتسه را می‌توان در گروه نخست قرار داد، افرادی که می‌کوشیدند پیوندهایی میان ایران و یونان برقرار کنند و همچنین نیبرگ زردشت را با آیین‌های شمنی مقایسه می‌کرد، روندی که گنوبیندگرن نیز پی‌گرفت که خود می‌تواند تأکیدی باشد نشانه‌هایی که به گمان وی، گواه وجود اتحمن‌های رمزی و اعمال شطحنی است. وید نگرین در عین حال یکی از چهره‌های پیشتازی است که نظریه‌ی آیین گنوسی با خاستگاه ایرانی را مطرح کرده است. نویسنده کتاب حاضر با شناخت صحیح این نکته که در زمینه اصول دین یعنی چستی خداوند «چستی گیتی» «فلسفه یا چرایی آفرینش» و «رابطه میان خدا و انسان» از هیچ‌گونه تأثیرپذیری اسلام از مزدیسنا نمی‌توان سخن گفته چرا که هیچ‌گونه همانندی میان آنها نیست و بلکه تناقضی در این میان حاکم است. اصولاً به این بحث وارد نشده است. اما در رابطه با آیین‌ها (آداب به مناسک ...) البته این تأثیرپذیری فراوان بود و محلوده‌ی اصلی بحث‌های کتاب را به خود اختصاص داده است.

در واقع مجموعه مقالات کتاب در راستای دو هدف عمده تلویین شده‌اند: ابتدا توضیحات و تفسیرهای کیش زردشتی دوره‌ی ساسانی و دیگری چگونگی انتقال اندیشه‌های آن به اسلام. موضوع‌هایی که به هم بستگی دارند چرا که از بازتاب اندیشه‌های ساسانی در اندیشه‌های غربی اطلاعات بنیادین بسیاری در مورد کیش زردشتی دوره ساسانی به دست می‌آید و در نتیجه می‌توان میزان بهره جستن اسلام از اندیشه‌های ایرانی را ارزیابی کرد که این کار نیازمند تحلیل دقیق آگاهی‌ها و دانش‌های ساسانیان که از مجراهای گوناگون ایرانی و اسلامی انتقال یافته صورت می‌گیرد. یکی از جنبه‌های جذاب پژوهش تاریخ ایران، این نکته است که با وجود دگرگونی‌های ژرفی که ایرانیان تجربه کرده‌اند، همواره از آشوب‌های شدیدی که ایرانیان مقهور آن شده‌اند، جان به در برده و مصون مانده‌اند. شاهنشاهی ساسانیان با فتح اعراب سقوط کرد و تا مدتی ممکن بود به نظر برسد که به این ترتیب فرهنگ ایرانی پایان گرفته است. اما بسیاری از سنت‌های باستانی از طریق شاهنامه و آثار نویسندگان سخت کوشی چون ابن مقفع زنده ماند. و ایرانیان توسعه‌ی جامعه‌ی اسلامی نوظهور سهم عمده‌ای داشتند. کتاب حاضر نیز با این مضامین سروکار دارد. از ایران زردشتی تا اسلام در دو بخش ارائه شده است:

بخش اول: کیش زردشتی در زمان ساسانیان

در این بخش گرایش‌های رازورانه در کیش زردشتی، مفاهیم «مینو» و «گیتی» در متون پهلوی و رابطه‌ی آنها با فرجام‌شناسی، نکاتی درباره‌ی اهریمن، مینوی تباهاکار، و آفرینش او، مهرداد، اسطوره‌ی زروان کیهان‌شناسی و فرجام‌شناسی.

بخش دوم: از ایران تا اسلام

در این بخش نکاتی درباره‌ی انتقال برخی مضامین «(دین و دولت همزادند» در نظریه ابن مقفع درباره‌ی حکومت) و چهار فرزند و همچنین به برخی نمادهای پادشاهی ساسانی و عربی، تخت پادشاهی و کرسی، میوه‌ی بد، مهره‌های حضرت علی (ع) پیمان: اندیشه‌های ایرانی در تماس با اندیشه‌ی یونانی و اسلام، طراز تهیه خوراکی صوفیانه و دو فرزانة: مضامین ایرانی در پوشش اسلامی، نخستین انسان، نخستین شهیار، برای روان انتقال اندیشه‌ی زردشتی به اسلام، برخی مضامین ایرانی در ادبیات اسلامی پرداخته می‌شود.

سرانجام در پایان جهان ایزدانی که گردش زمین‌ها و آسمان‌ها را تنظیم می‌کرده‌اند، کار خویش را رها خواهند کرد. آسمان‌ها و زمین‌ها گسیخته و متلاشی می‌شوند و همه ذرات کیهان به جوش و خروش درمی‌آیند. به این ترتیب رستاخیز فرا می‌رسد و آتش بزرگ زبانه خواهد کشید که ۱۴۶۸ سال خواهد پایید. همه‌ی پلیدی‌ها در این آتش خواهند سوخت و سپس واپسین پاره‌های نور رها شده و به بهشت نو - بهشت موقتی و جایگاه انوار و روشنی‌های رها شده - خواهند رفت. آنگاه هرمزد بغ از سوی شمال، نریسه ایزد از خاور، بام ایزد از نیمروز و معمر ایزد از سوی باختر در آیند و با یاران نجات یافته‌ی خویش بر آن آتش تابان بنگرند و بدکاران نیز عذاب خواهند کشید. اهریمن برای همیشه با همه‌ی مظاهر خود در یک گوی، درون مگای ژرف که سر آن را با سنگی بزرگ پوشانده‌اند، زندانی خواهد شد و آنگاه همه‌ی نور یکپارچه خواهد شد و بار دیگر دوران زرین جدا بودگی نور و ظلمت فرا می‌رسد. بهشت نو به بهشت روشنی - بهشت اصلی در اساطیر مانوی، جایگاه پدربزرگی یا زروان - خواهد پیوست و همه‌ی رستگاران با جامه‌ی نورانی به دیدار پدر بزرگی یا زروان درآیند - دیداری که از آغاز تازش اهریمن ممکن نگشته بود - و غرقه‌ی تماشای وی و غرقه‌ی نور گردند.

آنچه بیان شد چکیده‌ی اسطوره آفرینش در آیین مانوی است. که در کتاب «اسطوره آفرینش در آیین مانی» به تفصیل از آن سخن به میان آمده است. اما باید توجه داشت از متون گوناگون مانوی اطلاعات یکدستی در باره‌ی مفهوم چگونگی آفرینش به دست نمی‌آید. اما مؤلف اثر مورد بحث با استناد و تکیه بر متون ایرانی تلاش کرده تا یک روایت منسجم ارائه نماید. بنابراین آنچه درباره‌ی آفرینش مانوی در اثر مذکور می‌خوانیم جمع‌بندی و درک مؤلف از مقوله‌ی مورد بحث می‌باشد و لزوماً مفهوم آفرینش مانوی منطبق بر مطالب این کتاب نخواهد بود. از سوی دیگر از آن‌جا که اسطوره‌ی آفرینش مانوی بر پایه آموزه‌های رایج عصر پیدایش مانویت به‌ویژه آیین گنوسی شکل گرفته، جا داشت تا مؤلف به بررسی تطبیق اسطوره‌ی آفرینش مانوی نیز می‌پرداخت تا خوانندگان بهتر و عمیق‌تر با بن‌مایه‌های اسطوره آفرینش مانوی آشنا می‌شدند.

#### پانوشته‌ها:

- ۱- واقع در ترکستان چین.
- ۲- جان هینلز: شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار - احمد فضل‌ی، تهران، کتابسرای بابل - نشر چشمه، ۱۳۷۱، صص ۲۲-۲۳
- ۳- گنوسی (Genossi) به معنای معرفت، شناخت) فلسفه و آیینی است که پیروان آن مدعی بودند معرفت عالی به طبیعت و صفای الهی دارند. این طریقه شامل فلسفه نو افلاطونی و معتقدات شرقی از جمله آیین یهود است. منابع اصلی عقاید گنوسی را باید در مصر، بابل و ایران جستجو کرد.
- ۴- فار قلیط موعود مسیحیان بود که مسیح مژده آمدنش را داده بود. مانی در انجیلش که بیست دو باب است، چنین پنداشته که فار قلیط خود اوست و او خاتم پیامبران است.
- ۵- کیش زروانی از ادیان ایران باستان است که در دوره‌ی ساسانیان پس از گذشت هزاران سال دگرباره مطرح شد و رواج بسزایی یافت. پیروان این کیش زروان اکرانه را خدای بزرگ و خالق اهورمزدا و اهریمن می‌دانند.



مانی مروج آیینی بود که بر جدایی ازلی روح و ماده و بر جدایی نور و ظلمت تأکید داشت. این نگرش با آنچه گنوسیان پیش از او باور داشتند اندکی تفاوت داشت؛ گنوسیان درحالی که به هبوط نور معتقد بودند و می‌گفتند که نور از زادگاه راستین خویش به سوی ماده و این جهان سقوط کرده است، مانی به ازلیت نور و ظلمت قایل بود. به این ترتیب مانی که نگره‌ی نور و ظلمت را از آیین زردشت به وام گرفته بود، با باورهای گنوسی به هم آمیخت و باور نوینی را به پیروانش عرضه داشت

با آنچه گنوسیان پیش از او باور داشتند اندکی تفاوت داشت؛ گنوسیان درحالی که به هبوط نور معتقد بودند و می‌گفتند که نور از زادگاه راستین خویش به سوی ماده و این جهان سقوط کرده است، مانی به ازلیت نور و ظلمت قایل بود. به این ترتیب مانی که نگره‌ی نور و ظلمت را از آیین زردشت به وام گرفته بود، با باورهای گنوسی به هم آمیخت و باور نوینی را به پیروانش عرضه داشت.

برپایه‌ی اساطیر مانوی پیش از آفرینش دو نیروی ازلی نور و ظلمت بودند. این دو نیرو هم پیش از آفرینش و هم در پایان جهان کاملاً از هم جدابند. اقلیم نور و ظلمت هریک شهریاری نیرومند دارند؛ شهریار سرزمین روشنی پدربزرگی یا زروان و همتای او در سرزمین ظلمت شهریار تاریکی یا اهریمن است. نقطه‌ی آغاز تقابل نور و ظلمت هنگامی است که اهریمن به مرز سرزمین روشنی‌ها می‌آید و از دیدن پاره‌های نور و ایزدان زیبایی و روشنی رشک می‌برد. به همین دلیل برای تصاحب نور به قلمرو سرزمین روشنایی آغاز به تازش می‌کند. از همین جا دوره‌ی زرین جدایی نور و تاریکی به پایان می‌رسد و دوره‌ی آمیزش این دو آغاز می‌گردد. یعنی دوره‌ای که ما اکنون در آن قرار داریم. پس از تازش اهریمن پدربزرگی ( = ایزد ایزدان = زروان) برای دفاع از ایزدان قلمرو روشنی مادر زندگی (= مادر هستی) را فرا می‌خواند تا افراتز نبرد را فراهم کند. مادر زندگی نیز هرمزد بغ یا نخستین انسان را می‌آفریند تا به جنگ اهریمن و دیوان فرستاده شود. به این ترتیب مرحله‌ی نخست آفرینش آغاز می‌شود.

اما هرمزد بغ که چون کیومرث در اسطوره‌ی آفرینش زردشتی انسان نخستین و نماد انسان در بند این جهان خاکی است در جنگ با اهریمن شکست می‌خورد و خود و پنج فرزندش - امهر سپندان - به چنگ نیروهای اهریمنی فرو می‌رود. اما پدر بزرگی به انگیزه‌ی نجات هرمزد بغ گروه دوم ایزدان را می‌آفریند و در نتیجه مرحله‌ی دوم آفرینش آغاز می‌گردد. مهر ایزد که در این مرحله آفریده شده بود، پس از نبردی سخت هرمزد بغ را از بند دیوان می‌رهاند و به دنبال آن به ترتیب زمین، آسمان، خورشید، ماه، ستارگان، آتش، آب و باد را از تن دیوان کشته شده می‌آفریند. اما جهان در این مرحله کاملاً بی‌جنبش است و حیات هنوز در آن پدید نیامده است.

پس از رهایی هرمزد بغ، ایزدان از پدر بزرگی می‌خواهند که ایزدی را فراخواند تا به ماه و خورشید حرکت بخشد و جهان را به چرخش درآورد و بازمانده‌ی پاره‌های نور محبوس از تن دیوان را رها سازد. به همین منظور

نریسه

ایزد - ایزد نجات‌بخش و الگوی نرینه‌ی انسان - و دوشیزه‌ی روشنی - الگوی پیکر مادینه‌ی انسان - که هر دو تنی بس زیبا و نورانی دارند، به پیکار با جهان تاریکی فرا خوانده می‌شوند و به این ترتیب مرحله سوم آفرینش در اسطوره‌ی مانوی آغاز می‌شود. نریسه ایزد و دوشیزه‌ی روشنی خویشتن را برهنه به رهبران دیوان که با غل و زنجیر در آسمان بسته شده‌اند، آشکار می‌سازند. دیوان نر با دیدن آنان دچار انزال می‌شوند و با این کار پاره‌های نوری را که فرو بلعیده بودند بر زمین می‌ریزند و بدین گونه بقیه‌ی پاره‌های نور آزاد می‌گردند. دیوان ماده که در دوزخ از دیوان نر باردار شده بودند، فرزندان خود را سقط می‌کنند. از پاره‌های نور و جنین‌های سقط شده که بر زمین افتاده‌اند، درختان، گیاهان و جانوران به‌وجود می‌آیند که آفریده‌ی ظلمت‌اند، اما پاره‌های روشنی را در کالبد خویش زندانی کرده‌اند. در این مرحله از آفرینش نریسه ایزد ماه و خورشید را به گردش درمی‌آورد.

اما شهریار تاریکی در پی انتقام از ایزدان نور بر آن می‌شود که زندانی شدن نور را ابدی سازد. پس آفریدن زوجی نر و ماده را آرزو می‌کند. نخستین مرد به نام «گهمرد» و نخستین زن به نام «مردیانه» آفریده می‌شوند. به این ترتیب انسان در این مرحله آفریده می‌شود. اما انسان ایزداری است در دست نیروهای تاریکی برای ادامگی نبرد با قلمرو روشنایی. در مقابل ایزدان نور هم بیکار ننشسته و در پی آگاهی و هدایت انسان برمی‌آیند. آگاه نمودن انسان به دست عیسی درخشان است که ایزد رهایی‌بخش سومین مرحله‌ی آفرینش در اسطوره‌ی مانوی است. در اسطوره‌های مانوی انسان‌ها از نسل همین گهمرد و مردیانه و فرزندان آنها به شمار می‌آیند که سرشت آنها ترکیبی از نور و ظلمت است. رسالت انسان در این دوران آمیخته رهاسازی نور محبوس از کالبد مادی است.